

بازتاب و مقایسهٔ وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان در متون راحة الصدور، چهارمقاله و فارسنامه

جهانبخش ثواقب*

فرهاد پروانه**، رسول رستمی***

چکیده

زندگی اجتماعی ایرانیان در چهار مقولهٔ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قابل بررسی و تعمق است. در بسیاری از متون نظم و نثر کهن، ابواب مختلف زندگی ایرانیان بازتاب داده شده که با بررسی آنها می توان تطورات تاریخی زندگی اجتماعی مردم این سرزمین را ترسیم کرد. این جستار به روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی مقایسه ای وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان در سه متن مهم عصر سلجوقی؛ *راحة الصدور* و *آیه-السرور* راوندی، *چهارمقاله* نظامی عروضی و *فارسنامه* ابن البلخی پرداخته و در صدد پاسخی به این پرسش است که متون مزبور چه گستره ای از مقولات مرتبط به وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان را دربرمی گیرند؟ نتیجه حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که در هر سه اثر، به مقولات فرهنگی پرداخته شده است، اما در مقایسه، متن کتاب *راحة الصدور*، بیشترین وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان، را به تصویر کشیده است.

کلیدواژه ها: ایرانیان، زندگی اجتماعی، وجوه فرهنگی، *راحة الصدور*، *چهارمقاله*، *فارسنامه*.

* استاد تاریخ دانشگاه لرستان (نویسندهٔ مسئول)، savagheb@yahoo.com

** دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه لرستان، Farhad.parvaneh@yahoo.com

*** کارشناس ارشد ایران شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، rostami.rasoul90@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۲۸

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱. مقدمه

انسان موجودی پر رمز و راز و دارای اسراری بس نهفته و ناشناخته است که خود به تنهایی قادر به انجام اموری ساده چون زیستن و گذران زندگی در این دنیای سرشار از عجایب و غرایب نیست. پس نیازهای متقابل انسان‌ها در یک زیست جمعی تحت عنوان اجتماع برآورده می‌شود. چگونگی این زندگی اجتماعی آدمیان، با تعمق و جستجوگری در تاریخ به دست می‌آید، چراکه تاریخ، بخش عظیمی از وجوه مختلف زندگی اجتماعی انسان‌ها را در دل خویش نهفته دارد. با رواج تاریخ‌نگاری و سنت نگارش و مکتوب‌سازی وقایع، مشاهدات، خاطرات، دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها در میان مردم سرزمین‌های مختلف، بسیاری از وجوه حیات اجتماعی آنان در این نوشته‌ها بازتاب پیدا کرد و امروزه برپایه این موارث مکتوب تمدنی، می‌توان سیر تاریخی زندگی اجتماعی مردمان را بازسازی و بازکاوی کرد. موارث مکتوب ایرانیان در حوزه تاریخ، جغرافیا، ادبیات و دیگر زمینه‌ها نیز به‌زیبایی، آگاهی‌های ارزشمندی درباره زندگی اجتماعی مردم ایران‌زمین به‌تصویر کشیده‌اند که با بررسی آنها می‌توان وجوه گسترده‌ای از زمینه‌های مرتبط با تاریخ اجتماعی ایرانیان را به‌عنوان پیشینه‌ای از حیات تمدنی شناخت و مورد بهره‌برداری قرار داد.

در این جستار، به‌هدف بررسی مقایسه‌ای وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان در سه متن منتخب (راحه‌الصدور، چهارمقاله و فارسنامه)، مربوط به سده ۶ق/۱۳م. و در عصر حاکمیت سلجوقیان، داده‌های این متون به‌صورتی منظم و مرتب در عرصه فرهنگی زندگی اجتماعی، استخراج، مقوله‌بندی و سپس مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته تا اطلاعات تاریخی مربوط به این وجه از زندگی اجتماعی ایرانیان به‌صورت نظام‌یافته شناسایی شوند. این نوع پژوهش‌ها در مقیاس وسیع و با بررسی متون مختلف می‌تواند جلوه‌های گوناگون زندگی ایرانیان را در دوره‌های مختلف تاریخی بازسازی و آشکار سازد و راه پژوهش مورخان و محققان حوزه علوم اجتماعی و فرهنگی ایرانیان را هموار سازد. انگیزه انتخاب این سه اثر از میان آثار مکتوب تاریخی متعدد این دوره به‌چند علت بوده‌است. ۱. انگیزه پژوهش در نمونه‌هایی از متون تاریخی برای ترسیم زندگی اجتماعی ایرانیان در یک دوره تاریخی معین؛ ۲. محدود کردن دامنه پژوهش از جنبه کمی متون انتخابی که در روش پژوهش بر تحدید حدود موضوع تأکید می‌شود؛ ۳. لحاظ کردن تنوع اشکال تاریخ‌نگاری در انتخاب متون. سه متن انتخابی به سه حوزه از تاریخ‌نگاری تعلق دارند: *راحه‌الصدور* تاریخ سلسله‌ای؛ *چهارمقاله* از نوع دیوانی و *فارسنامه*، تاریخ محلی است.

اساس پژوهش حاضر بر طرح دو پرسش بنیادی است که عبارتند از: ۱. متون منتخب چه گستره‌ای از مقولات مرتبط به وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان را بازتاب داده‌اند؟ و ۲. چگونه می‌توان داده‌های شناسایی شده و جمع‌آوری شده را با تحلیل آماری به صورت معناداری ارائه کرد؟

۱.۱ روش پژوهش

این پژوهش از آن جهت که به بررسی موضوعی در گذشته می‌پردازد، از نوع پژوهش‌های تاریخی است و از آن جهت که به وجوهی از زندگی اجتماعی ایرانیان می‌پردازد، در حوزه مردم‌نگاری و بررسی موردی (وجوه فرهنگی) قرار می‌گیرد. بررسی موردی یا مطالعه موارد خاص (Case Study Method)، بررسی عمیق و همه‌جانبه در مورد نمونه واحدی از پدیده مورد علاقه جامعه‌شناسان اطلاق می‌شود. از طریق بررسی موردی می‌توان تعمیم‌های گسترده‌ای را درباره زندگی اجتماعی به دست آورد. در این بررسی، هر موضوع مورد بررسی، چه یک فرد یا گروه اجتماعی باشد و چه یک رویداد یا نهاد، حتی در بعضی موارد مطالعه فرهنگ جامعه، اصولاً به عنوان یک واحد مستقل در نظر گرفته می‌شود و از جمیع جهات بررسی می‌شود (مکنیل، ۱۳۷۶: ۱۰۵؛ نبوی، ۱۳۸۲: ۱۷۱-۱۷۲). به یک معنا، هر بررسی مردم‌نگاری یک بررسی موردی به شمار می‌آید؛ چراکه همهٔ این نوع بررسی‌ها بر یک گروه به نسبت کوچک و یا یک نهاد واحد تأکید دارند (مکنیل، ۱۳۷۶: ۱۰۶). بررسی مردم‌نگاری هدفش توصیف شیوه زندگی یک جامعه یا گروهی از مردم است. اگر گروه به نسبت کوچک باشد مانند یک دارودسته خیابانی، روش اصلی گردآوری داده‌ها، مشاهده مشارکت‌آمیز همراه با تعداد محدودی مصاحبه بدون ساختار خواهد بود؛ اما اگر گروه مورد بررسی بزرگتر باشد، آن‌گاه با بررسی اجتماعات (Community Studies) که روش گسترده‌تری است سر و کار خواهیم داشت (همان: ۱۰۷). روش‌شناسی مردم‌نگارانه امروزه بیشتر به عنوان یکی از شیوه‌های خاص تحلیل چگونگی ادراک، ساخت و تأیید جهان‌بینی و شیوه زندگی مردم، جای خود را در تحقیق جامعه‌شناسی پیدا کرده است.

غالباً محققین، روش گردآوری اطلاعات در مطالعه موارد خاص را یک روش پژوهش کیفی می‌دانند؛ زیرا در گذشته در این روش به روش‌های دقیق و علمی از قبیل نمونه‌گیری و روش‌های آماری، توجه کافی مبذول نمی‌شد؛ اما امروزه روش‌های دقیق علمی و آماری نیز به آن افزوده شده است و با به کار بردن روش‌های تحلیل کیفی و تبدیل اطلاعات کیفی

به کمی و نتیجه‌گیری دقیق از آنها، بار دیگر معمول و متداول گشته‌است و مجموعه این تکنیک‌ها در بسیاری از موارد، محقق را به کسب نتایج علمی و دقیق قادر می‌سازد. در این روش باید در صورت امکان از روش‌های نمونه‌گیری و آماری استفاده به‌عمل آید؛ و مطالب به‌دست آمده به طرق صحیح و علمی طبقه‌بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در این صورت می‌توان به صحت و علمی بودن نتایج به‌دست آمده، اطمینان کافی داشت (نبوی، ۱۳۸۲: ۱۷۱-۱۷۲).

از سویی، هر پژوهشی دارای واحد مطالعه و سطح مطالعه است. سطح مطالعه، سطح واقعیت اجتماعی است که چارچوب نظری پژوهش به آن می‌پردازد. سطح اجتماعی بر روی زنجیره‌ای از سطح خرد (برای مثال: گروه‌های کوچک، فرآیندهای فردی) تا سطح کلان (مانند: تمدن‌ها یا جنبه‌های ساختی جامعه) متغیر است (منصوریان، ۱۳۸۱: ۴۲). واحد مطالعه به نوع واحد مورد استفاده پژوهشگر هنگام سنجش متغیرها برمی‌گردد. واحدهای معمول در جامعه‌شناسی عبارت از: افراد، گروه‌های اجتماعی (برای مثال: خانواده، گروه‌های دوستی) و سازمان‌ها (مانند: شرکت‌ها، دانشگاه) و دسته‌های اجتماعی، طبقه اجتماعی، جنسیت، نژاد، جامعه (برای مثال: یک کشور، یک قبیله) و نهادهای اجتماعی (خانواده، مذهب و آموزش) است (همان: ۴۳). در این پژوهش، سطح مطالعه، وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان است و واحدهای مطالعه، مقوله‌هایی است که در هر یک از متون مورد بررسی قرار گرفته‌است.

در مرحله بررسی و تحلیل داده‌ها، به دو روش تحلیل کیفی و تحلیل کمی می‌توان عمل کرد. شیوه تجزیه و تحلیل کیفی، عقل، منطق، تفکر و استدلال است. یعنی محقق با استفاده از عقل و منطق و غور و اندیشه باید اسناد و مدارک را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده، حقیقت را کشف و درباره فرضیه‌ها اظهار نظر کند (حافظ‌نیا، ۱۳۷۷: ۱۹۹). تحقیقات کیفی بیشتر در تحقیقات تاریخی، توصیفی موردی، تحلیل محتوا، علی و نظری وجود دارند؛ تحقیقاتی که نوعاً کتابخانه‌ای و نظری هستند. در این نوع تحقیقات، اسناد و مدارک و نوشته‌ها و آثار، حکم داده‌ها را دارند که از جمع‌آوری، طبقه‌بندی، ارزیابی، مقایسه و تحلیل آنها محقق می‌تواند مجهول را کشف نموده و فرضیه ارائه شده را ارزیابی کند. بنابراین در تحقیقات کیفی، محقق می‌تواند از طریق استدلال قیاسی و استقرایی، تمثیل و تشبیه، نشانه‌یابی، تجرید، تشخیص تفاوت و تمایز، مقایسه و غیره، که جملگی به کمک تفکر و تعقل و منطق صورت می‌پذیرد، داده‌های گردآوری شده را ارزیابی و تجزیه و

تحلیل نموده، نتیجه‌گیری کند(همان: ۲۰۰). مطالعات مردم‌شناسی و آداب و رسوم و روابط اجتماعی و مطالعات مربوط به تحلیل محتوا، همه در حوزهٔ تحقیقات کیفی قرار می‌گیرند، هرچند ممکن است از روش‌های کمی نیز بهره ببرند(همان: ۲۰۲).

شیوه تجزیه و تحلیل کمی که به روش تجزیه و تحلیل آماری نیز شهرت دارد، در مورد تحقیقات و داده‌های کمی به‌کار می‌رود. در تحقیقات علوم انسانی نیز روش‌های کمی توسعه یافته و محققین سعی می‌کنند پدیده‌ها، متغیرها، ویژگی‌ها، ارزش‌ها و باورها را اندازه‌گیری و کمی نمایند. استفاده از روش‌های آماری با توجه به نوع و روش تحقیق و هدف محقق تفاوت می‌کند و از روش‌های ساده و اولیه آماری تا روش‌های پیچیده را شامل می‌شود. استفاده از روش‌های آماری به دو شکل توصیفی و استنباطی انجام می‌گیرد. آمار توصیفی را عمدتاً مفاهیمی از قبیل جدول توزیع فراوانی و نسبت‌های توزیع، نمایش هندسی و تصویری توزیع، اندازه‌های گرایش به مرکز، اندازه‌های پراکندگی و نظایر آن تشکیل می‌دهد. آمار توصیفی برای تبیین وضعیت پدیده یا مسئله یا موضوع مورد مطالعه، استفاده می‌شود. در اینجا محقق پس از استخراج اطلاعات، اقدام به خلاصه‌کردن و طبقه‌بندی داده‌های آماری می‌نماید و این کار را با تشکیل جداول توزیع فراوانی انجام می‌دهد، سپس درصد‌های توزیع، فراوانی و درصد‌های تراکمی را محاسبه می‌کند(همان: ۲۰۳).

پژوهش پیش رو نیز در مرحله گردآوری داده‌ها با رویکرد مقایسه‌ای انجام شده و در طی آن، متون منتخب با دقت تمام مورد مطالعه قرار گرفته و از داده‌های آنها در مقوله وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان داده‌نگاری صورت گرفته‌است. پس از تشخیص داده مورد نظر، به مفهوم‌پردازی و یافتن واژگان مناسب پرداخته‌شده، سپس اشاره مربوط به داده مورد نظر در قالب یک موضوع موجز تدوین گشته که همان مرحلهٔ طبقه‌بندی داده‌های آماری از متون مورد پژوهش است. آن‌گاه آن دسته از داده‌های مستخرج که بازتابی از وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان بوده‌اند، برای مقوله‌بندی شناسایی شده‌اند. در مرحله بررسی داده‌ها، به روش ترکیبی تحلیل کیفی و کمی (آمار)، هرکدام از مقولات وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان تحلیل، مقایسه و ارزیابی شده‌اند تا نتیجهٔ لازم از پژوهش به‌دست آید و فراوانی‌های واحدهای مورد بررسی در هر اثر تعیین شده‌اند.

در پیشینه پژوهش با اینکه مقالاتی درباره بازتاب برخی از وجوه زندگی ایرانیان در دوره‌های بعدی از مغول تا قاجاریه براساس سفرنامه‌های اروپائیان و به‌شیوه‌ای توصیفی نگارش یافته، اما در عصر مورد نظر این پژوهش و برپایه متون تاریخی و با رویکرد

تحلیلی، پژوهش چندانی صورت نگرفته است. تنها می‌توان به پایان‌نامه حسین افتخاری (۱۳۸۷) با عنوان «بررسی جلوه‌های زندگی ایرانیان در سه اثر برجسته سده پنجم هجری (قابوسنامه، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت)» اشاره کرد که به‌لحاظ موضوعی و روش انجام پژوهش، متفاوت از پژوهش حاضر است.

۲. تعریف مفهومی فرهنگ

مفهوم‌سازی، فرایند گزینش یک مفهوم یا سازه و تعریف آن به‌صورت مفهومی یا نظری است. یک سازه می‌تواند معانی گوناگونی داشته‌باشد که افراد ممکن است بر روی این معانی اختلاف نظر داشته‌باشند (منصوریان، ۱۳۸۱: ۷۳). فرهنگ از این نوع مفاهیم است. فرهنگ، در عربی «التقافه» و در انگلیسی «کالچر» (Culture)، در لغت به‌معنای دانش، حرفه، علم، فنون، هنر، آموختن، به‌کار بستن ادب، بزرگی، سنجیدگی، کتاب لغت، آموزش و پرورش، تربیت، آیین و رسوم و عقل، به‌کار رفته‌است (ر.ک: دهخدا، ۱۳۳۴: ۲۲۷/۳۹؛ نفیسی، ۱۳۵۵: ۲۵۵۷/۴؛ معین، ۲۵۳۸/۲؛ پهلوان، ۱۳۷۸: ۱۲-۱۵).

از نظر اصطلاحی، به‌لحاظ اهمیت فرهنگ که یکی از مبانی اصلی زندگی انسان است، تعریف و تعبیر گوناگونی برای آن ابداع و پیشنهاد شده و در دایره‌المعارف‌های ملیت‌های مختلف، تعاریف متعددی از فرهنگ ارائه شده‌است (برای مجموعه‌ای از این تعاریف، ر.ک: جعفری، ۱۳۷۳: ۱۱-۷۳)؛ ولی مطلبی که به‌تلیوح در تمام تعاریف و تفاسیر مربوط به فرهنگ بشری دیده می‌شود، این است که نوع انسانی از توانایی شگرفی برای یادگیری برخوردار است و دانشمندان در مباحث جامعه‌شناسی و زیست‌شناسی، از فرهنگ به‌عنوان نوعی میراث اکتسابی یاد می‌کنند که در هر جامعه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و این میراث فرهنگی برای بقای آن جامعه ضرورت دارد. از این رو، می‌توان گفت که فرهنگ عبارت است از مجموع نظام‌های نمادین جامعه و اطلاعات و پیام‌های مستتر در آنها (لنسی، ۱۳۶۹: ۲۳-۲۴). فرهنگ را می‌توان سطحی از زندگی دانست که در آن انسان‌ها به کمک راه و رسم‌های نمادین به ساختن معنی می‌پردازند. به‌عبارتی، وقتی از فرهنگ سخن گفته می‌شود، منظور راه‌هایی است که در آنها مردم، به‌طور فردی و جمعی، از طریق ارتباط با یکدیگر به زندگی خود معنا می‌بخشند (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۳۵). فرهنگ، راه و رسم زندگی‌یابی و کسب تجربه‌های اجتماعی است. فرهنگ شامل نظام‌های معینی است که مورد قبول اجتماع بوده، برای جامعه قابل لمس باشد؛ شامل ساختمان و سازمان‌های

اجتماع، انواع رفتار، دانش، ایمان و دیگر فعالیت‌هایی است که در مجامع انسانی یافت می‌شود؛ شامل زیبایی‌های زندگی و بخشی از زندگی انسانی که ساخته و پرداخته اوست (ودیعی، ۱۳۵۷: ۱۰۹).

بر اساس تعریف *دایره‌المعارف ورلدبوک* (World Book Encyclopedia)، فرهنگ به‌نظر دانشمندان علوم اجتماعی، دربرگیرنده همهٔ اندیشه‌ها، تمام تصورات ذهنی و کل روش‌های انجام کارهایی است که گروهی آن را ایجاد کرده باشند. بنابراین، هنرها، باورها، عقاید، عادات، ابتکارات، اختراعات، زبان، تکنولوژی و رسوم، فرهنگ است. فرهنگ راه‌زندگانی است؛ چه ساده و چه مجموعه‌ای از افکار و عقاید. فرهنگ عبارت است از راه‌هایی که انسان در رفتار، احساس و اندیشه خود آموخته باشد (به‌نقل از: جعفری، ۱۳۷۳: ۳۰). از دیدگاه *دایره‌المعارف بریتانیکا*،

فرهنگ را می‌توان در قالب ویژگی‌های رفتاری نوع بشر، همراه با دیدگاه‌های عینی و مادی مؤثر در شکل‌گیری مجموعه رفتاری او، به‌ویژه عوامل خاصی همچون فرهنگ، زبان، عقاید، عادات، رسوم، مجموعه قوانین، نهادهای اجتماعی، ابزار، فنون، آثار هنری، آیین‌های مذهبی، مراسم و نظایر آنها تعریف کرد (همان: ۳۶).

تایلور مردم‌شناس انگلیسی، فرهنگ را در معنی دانش، عقاید، و هنرها، اخلاق، رسوم و سایر یافته‌های اجتماعی انسان به‌کار برده است (Tylor, 1924: 1).

امروزه فرهنگ بر ابزارها، رسوم، معتقدات، علوم، هنرها و سازمان‌های اجتماعی دلالت می‌کند. انسان به‌وسیله فرهنگ جامعه خود، موجودی اجتماعی می‌گردد؛ با مردم اطراف خود از جهات متعدد هماهنگی می‌یابد و از مردم جامعه‌های دیگر از جهاتی گوناگون، متفاوت می‌شود (آگ برن و نیم‌کوف، ۱۳۸۰: ۱۳۸). فرهنگ مبین رفتار انسانی و فراز و نشیب‌های زندگی اجتماعی است و انسان به‌واسطه فرهنگ، میراث اجتماعی نسل‌های پیشین خود را به ارث می‌برد (همان‌جا). فرهنگ عصاره زندگی اجتماعی است و در تمام افکار و امیال و الفاظ و فعالیت‌های انسان منعکس می‌شود (همان: ۱۴۰). فرهنگ در کنار جمعیت، فرآورده‌های مادی، ساختار اجتماعی و نهادهای اجتماعی، اساسی‌ترین عناصر سازنده یک جامعه انسانی است (لنسکی، ۱۳۶۹: ۵۰).

از لحاظ فرهنگ‌شناسی (Culturology)، فرهنگ هر جامعه دو جنبه متمایز دارد: ۱. فرهنگ مادی (Material Culture) شامل وسایلی است که به‌دست اعضای پیشین جامعه ساخته شده و برای اعضای حاضر به ارث مانده‌اند؛ ۲. فرهنگ غیرمادی (NonMaterial

Culture) یا فرهنگ مجرد (Immaterial Culture) یا فرهنگ معنوی (Spiritual Culture) شامل رسوم و معتقدات و علوم و هنرهایی است که عمداً به وسیله زبان و خط فراگرفته می‌شوند (آگ برن و نیم کوف، ۱۳۸۰: ۱۴۲؛ ودیعی، ۱۳۵۷: ۱۰۹). براساس تعریف دایره-المعارف روسی از فرهنگ (ر.ک: جعفری، ۱۳۷۳: ۴۴)، مفهوم مادی فرهنگ بیان سطح توانایی بشر در رابطه با نیروهای طبیعت است و بیانگر اعماق درک طبیعت و جامعه، وسعت نگرش، اندیشه ترقی خواهانه و دانش آدمی است. فرهنگ معنوی شامل دستاوردهای جامعه در زمینه اخلاق، هنر، دانش و فلسفه و بیانگر اندیشه‌های سیاسی و روابط حقوقی میان آدمیان است (همان: ۴۵).

هم فرهنگ مادی و هم فرهنگ غیرمادی مشتمل بر اجزای بی‌شماری هستند که هر یک مستقلاً کارکرد (Function) معینی صورت می‌دهند. همه نیازهای جامعه به وسیله کارکردهای عناصر فرهنگی برآورده می‌شوند. چون هر یک از اجزای فرهنگ به منزله وجوه یا عناصر اختصاصی فرهنگ هستند، می‌توان آنها را ویژگی‌های فرهنگی (Culture Traits) خواند که تعدادی از این ویژگی‌ها، یک واحد پیچیده‌تر به نام مجموعه فرهنگی (Culture Complex) به وجود می‌آورند (آگ برن و نیم کوف، ۱۳۸۰: ۱۴۴ و ۴۱۲). به عبارتی، مجموعه عواملی که یک اجتماع را می‌سازند از قبیل: عوامل جغرافیایی، جمعیتی، فنی، نهادها، صور ذهنی دسته-جمعی، در عالم واقع برحسب ترکیبات معینی درهم می‌آمیزند و «مجموعه‌های فرهنگی» را به وجود می‌آورند. مجموعه‌های فرهنگی را اساساً تاریخ می‌سازد و سپس به مدد تربیت به-معنای وسیع کلمه، تقویت می‌شود و با شیوه‌های تربیتی و تعلیم و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند (دوورژه، ۱۳۷۶: ۱۷۳ و ۱۷۴).

اجزای هر فرهنگ موافق ترتیب یا هیئت یا پیکربندی معین، به یکدیگر پیوسته‌اند و انتظامی میان آنها برقرار است. این انتظام که در همه مجموعه‌های مختلف فرهنگ بازتاب می‌یابد، مدل فرهنگی (Culture Model) یا انگاره فرهنگی (Culture pattern) نام گرفته-است (آگ برن و نیم کوف، ۱۳۸۰: ۱۴۴).

در این پژوهش، فرهنگ هم از دیدگاه علوم اجتماعی و هم از دیدگاه مردم‌شناسی مورد نظر بوده و وجوه فرهنگی شامل همه عناصر (مادی و معنوی) که محصول تلاش فکری و جمعی بشر بوده و در طول تاریخ حاصل شده؛ راه و رسم زندگی یک جامعه به‌شمار می-آمده و حیات زیستی آنان را از تولد تا مرگ تشکیل می‌داده، در نظر گرفته شده‌است. چراکه

به تعبیر برخی از محققان، «هر آنچه انسان می‌کند و هر آنچه عمل او به‌بار می‌آورد، در حوزه فرهنگ قرار می‌گیرد» (بهنام و جهاننگلو، ۱۳۸۲: ۴۰).

۳. معرفی متون منتخب

کتاب *راحه‌الصدور و آیه‌السرور* از کتب مهم اواخر سده ششم هجری است. مؤلف آن نجم‌الدین ابی‌بکر محمدبن علی بن سلیمان راوندی از دانشمندان و خطاطان روزگار خویش بوده است. این اثر هم از نظر ادبی و هم از نظر اطلاعات فراوان تاریخی و اجتماعی جزء معتبرترین و سودمندترین کتب فارسی پیش از حمله مغول است (صفا، ۲۵۳۶: ۱۰۰۸). این کتاب در سال ۵۹۹ق. تألیف شده و یکی از بهترین کتب نثر فارسی و در نهایت فصاحت و روانی نوشته شده است و در ضمن اشعاری به فارسی از مؤلف و نیز بزرگان ادب فارسی در آن ثبت شده است (نفیسی، ۱۳۴۴: ۱/۱۴۵). دیباچه کتاب مشتمل بر حمد و نعت خدا و رسول و ستایش خلفای چهارگانه نخست و اصحاب و منقبت ابوحنیفه نعمان بن ثابت و محمدبن ادریس شافعی و مدح غیاث‌الدین کیخسرو بن قلیج ارسلان و توصیف سرزمین عراق پس از انقضاء سلطنت طغرل سوم است (راوندی، ۱۳۶۴: ۱-۳۸) و پس از آن وارد مقدمه‌ای می‌شود که به آغاز کار سلجوقیان و ارتباط آنان با سلطان محمود غزنوی و علل درگیری‌شان با امیر مسعود غزنوی پرداخته است. پس از مقدمه، به ذکر وقایع تاریخ سلطنت خاندان سلجوقی از آغاز تا حکومتداری رکن‌الدین ابوطالب طغرل بک محمدبن میکائیل بن سلجوق (۴۳۹-۴۵۵ق) و انقراض آن سلسله در عراق به دست خوارزمشاه تکش بن ایل-ارسلان پرداخته و در پایان آن، فصلی بسیار سودمند در چگونگی احوال سرزمین‌های عراق و غلبه خوارزمیان آمده است (همان: ۸۶-۴۰۵).

روش مؤلف در تقریر تاریخ چنان است که پس از ذکر القاب و عناوین هر پادشاهی، به ذکر وزراء و حاجبان وی پرداخته و وصفی از اخلاق و رفتار او می‌کند، سپس به ذکر اتفاقات سلطنت وی می‌پردازد و بیشتر از آیات و احادیث و امثال و اشعار فارسی و عربی استفاده می‌کند؛ به طوری که گاهی از روش تاریخ فاصله می‌گیرد و در پایان هر قسمت، قصیده‌ای در مدح سلطان مورد بحث می‌آورد. در پایان کتاب، راوندی فصولی در ذکر آداب ندیمی و شطرنج، مسابقت و تیرانداختن، شکارکردن، فی معرفه اصول الخط من الدایره و النقط، فی الغالب و المغلوب (همان: ۴۰۵-۴۵۷) و فصلی در خاتمت کتاب آورده و کتاب را با نام و مدح غیاث‌الدین کیخسرو خاتمه داده است (همان: ۴۵۷-۴۶۷). راوندی این کتاب

را به دلیل احساس دین به سلاطین سلجوقی و در قدردانی از تأسیس مدارس عراق که وی در آنها تحصیل کرده بود و برای به یادگار گذاردن اثر جاودانی از خود و هم‌چنین برای تجلیل از فتح عظیم انطالیه توسط کیخسرو بن قلج ارسلان در سال ۵۹۹ هجری به وی تقدیم می‌کند (ر.ک: همان: ۵۷-۶۳؛ نیز، صفا، ۲۵۳۶: ۲ / ۱۰۰۹). کتاب *راحه‌الصدور* دارای فواید زیادی است: یکی آن‌که چون مؤلف خود شاهد و ناظر بعضی از حوادث بوده، اهمیت و ارزش بسیاری به کتاب بخشیده است. دیگر آن‌که کتاب مبین مطالبی است که به مناسبت از رجال و شعراء مشهور آن زمان مانند علاءالدوله عربشاه و فرزندان وی و عبادی و انوری و سید اشرف‌الدین حسن غزنوی و اثیر اخسیکتی و مجیر بیلقانی در خلال وقایع و حوادث تاریخی، نقل شده و از قدیم‌ترین منابع شرح حال آنان به‌شمار می‌رود. از فوائد دیگر کتاب، حکایات و امثال و اشعار برگزیده عربی و فارسی است که در آن آمده است (ر.ک: متن کتاب).

راوندی مؤلف کتاب، فردی آشنا به علوم و هنر بوده؛ زیرا وی افزون‌بر فنون ادب و هنر خط و تذهیب و جلدسازی، در تفسیر و فقه و علوم مذهب و روایت نیز مهارت داشته و پس از انقراض حکومت سلجوقیان به گوشه‌نشینی پرداخته و تحصیل و تکمیل علوم شرعی را برتر از همه چیز دانسته است (صفا، ۲۵۳۶: ۲ / ۱۰۰۹). راوندی شرح حال خود را در کتابش بیان نموده که خلاصه آن چنین است: در کودکی پدرش را از دست داده و خاندان او به‌سبب قحطی اصفهان در سال ۵۷۰ق. تهیدست می‌شوند به‌طوری‌که محمد در کنف خال خود تاج‌الدین احمد بن محمد بن علی الراوندی از فاضلان بزرگ روزگار که در انواع علوم شرعی و ادبی سرآمد بود به‌مدت ده سال به‌سر می‌برد و راوندی در این مدت در خدمت خال خود به کسب علوم شرعی و ادبی و آموزش خط می‌پردازد، چنان‌که هفتاد نوع خط یاد می‌گیرد (راوندی، ۱۳۶۴: ۳۹-۴۱).

مؤلف کتاب *چهارمقاله*، ابوالحسن نظام‌الدین (نجم‌الدین) احمد بن عمر بن علی سمرقندی معروف به نظامی عروضی از شاعران و نویسندگان سده ششم هجری است (صفا، ۲۵۳۶: ۲ / ۹۶۱). وی در خدمت ملوک غوری آل‌شنسب به‌سر می‌برد و چنان‌که خود تصریح کرده - است سال‌ها به مدح آن پادشاهان مفتخر بوده و کتاب خود را به‌نام ابوالحسن حسام‌الدین علی بن فخرالدین مسعود برادرزاده ملک شمس‌الدین محمد بن فخرالدین بن مسعود پادشاه معروف غوری نوشته است (همان: ۹۶۲). اسم اصلی کتاب *مجمع‌النوادر* است که مشتمل بر

چهار مقاله در بیان شرایط چهار طبقه از ندماء سلاطین یعنی دبیران، شاعران، منجمان و طبیبان است.

فارسنامه نیز یکی از کتب بسیار معتبر فارسی و از مآخذ مهم و قابل توجه تاریخ ایران پیش از اسلام و جغرافیای سرزمین پارس است. مصنف کتاب اطلاعات زیادی دربارهٔ خویش نمی‌دهد و تنها معلوم می‌دارد که «او را تربیت پارس بودست اگرچه بلخی نژادست» (ابن‌البلخی، ۱۳۶۳: ۳) و از ابتداء دولت سلطان محمدبن ملک‌شاه سلجوقی که رکن‌الدوله خمارتگین را به پارس فرستاد، «تقدیر معاملات و قانون آن» را جدّ وی گذاشته و خود وی نیز شغل «استیفاء آن ولایت و سپاهی و رعیت» داشته‌است (همان: ۳). ابن‌البلخی، پادشاهان ایران را پیش از غلبهٔ اعراب، به چهار طبقه تقسیم کرده‌است: ۱. پیشدادیان؛ ۲. کیانیان؛ ۳. اشغانیان؛ ۴. ساسانیان (همان: ۸). هم‌چنین به ذکر اسکندر و «رومیان کی بعد از اسکندر بودند» (همان: ۹) یعنی جانشینان یونانی اسکندر، مبادرت ورزیده‌است، منتهی حکومت آنان را پس از اسکندر در ایران سه چهار سال بیش ندانسته و مسلماً در نقل این روایت از منابعی که اصل آنها به عهد ساسانی یا به راویان اخبار ایرانی می‌رسد متأثر بوده که پس از اسکندر همواره در ذکر سلطنت سلوکیان سکوت می‌کرده‌اند و دورهٔ تسلط آنان را کوتاه جلوه می‌داده‌اند (صفا، ۲۵۳۶: ۲/ ۹۲۷). ابن‌البلخی از این طبقات چهارگانه، نخست فهرستی برای تشخیص سلسلهٔ انساب شاهان به‌دست داده، سپس به ذکر یکایک طبقات و از هر طبقه یکایک پادشاهان و تفصیل حکومت آنان پرداخته‌است (ابن‌البلخی، ۱۳۶۳: ۹-۱۱۳). پس از اتمام این مبحث که بخش زیادی از کتاب را شامل شده‌است، مؤلف شرح گشادن پارس به‌دست مسلمانان را مطرح نموده (همان: ۱۱۳-۱۱۹) و آن‌گاه به ذکر پارس و اختصاصات آن و نواحی و بلاد و قبایل و امرای پارس پس از تسلط عرب پرداخته (همان: ۱۱۹-۱۷۰) و نیز شرحی در قانون مالیاتی پارس و مقدار عواید آن آورده‌است (همان: ۱۷۰-۱۷۲). تاریخ تألیف کتاب کاملاً محقق نیست ولی مسلماً پیش از سال ۵۱۱ که سال وفات سلطان محمد است، نوشته‌شده، زیرا مقدمهٔ آن به‌نام اوست، با تمام القاب و عناوین و نعوت و دعا بر خلود دولت وی (ر.ک: همان: ۱-۴)؛ او در عهد سلطنت همین پادشاه همراه خمارتگین با آن‌که خراسانی بود، مأمور خدمت در پارس شد (همان: ۳)، زیرا سلاجقه در ابتدای کار خود به دبیران و مستوفیان عراق که غالباً شیعه یا دوستداران آل‌بویه بوده‌اند، اعتمادی نداشتند و کارگزاران خود را بیشتر از مشرق انتخاب می‌کردند. پس باید تألیف کتاب بین ۴۹۸ تا ۵۵۱ ق. و به گمان بیشتر، در سال‌های آخر سلطنت سلطان محمد و بنابه

دستور و امر او صورت گرفته باشد (صفا، ۲۵۳۶: ۲/ ۹۲۷-۹۲۸). نثر فارسی ساده و روان و بسیار استوار و خالی از خلل است. نشانه‌های کهنگی زبان و انشاء در برخی از موارد کتاب معلوم است و لغات عربی هم در پاره‌ای از قسمت‌های آن کم نیست و خوشبختانه از کتبی است که دستبرد نساخته در آن کمتر صورت گرفته است (همان: ۹۲۸).

در ادامه، با بررسی محتوایی این سه اثر، تمام داده‌هایی که مربوط به وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان در آنها آمده است با دقت خاص شناسایی، دسته‌بندی و با ذکر شماره صفحه آورده شده است.

۴. وجوه فرهنگی در کتاب راحة الصدور و آية السرور

۱.۴ آداب و رسوم و شعائر

- آذین‌بندی شهر (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۱۱، ۲۷۰)
- فصد کردن (رگ‌زدن، خون گرفتن) (۲۳۶)
- وجود سردابه در خانه (۱۵۸)
- کاربرد حروف جُمَل (حساب حروف ابجد) در فال‌گیری (۴۵۵)

۲.۴ جشن‌ها

- عیداضحی (قربان) (۲۹۸، ۳۸۶)

۳.۴ مراسم و آیین‌های رایج

- الف. ازدواج و آداب آن
- ازدواج سیاسی (۱۱۱، ۲۲۷، ۲۳۶، ۲۴۴، ۲۷۰، ۲۸۵، ۳۰۱، ۳۶۳، ۳۶۶-۳۶۷)
- فرستادن وکیل از سوی سلطان (۱۱۱، ۲۷۰)
- تعیین مهریه عروس (۱۱۱)

ب. مرگ

- مرگ طغرل‌بک به علت بیماری، پیش از زفاف با خواهر خلیفه بغداد در سال ۴۵۵ ق. (۱۱۲)

- کشته‌شدن خواجه نظام‌الملک به تحریک خواجه تاج‌الملک در نهاوند (۱۳۵)
- کشته‌شدن نظام‌الملک به دست فدائیان اسماعیلی (۱۳۵)
- کشته‌شدن ترکان خاتون به دستور زبیده خاتون مادر برکیارق (۱۴۲)
- کشتن سعدالملک وزیر سلطان محمد ملکشاه به جرم خیانت به سلطان (۱۶۰)
- کشتن نماینده سلطان سنجر بن ملکشاه توسط غزان به خاطر ظلم و رشوت‌خواهی وی (۱۷۷)
- کشته‌شدن خلیفه المسترشد بالله توسط اسماعیلیان (۲۲۸)
- کشته‌شدن راشدین المسترشد توسط اسماعیلیان (۲۲۹)

۴.۴ مذهب و باورهای مذهبی

- ترویج مذهب اسماعیلی به وسیله داعیان آن در ایران عصر سلجوقی (۱۱۵، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹)
- اختلاف مذاهب در خراسان (۱۸۲)
- اعتقاد به قضا و قدر الهی (۱۲۱)

۵.۴ ورزش و سرگرمی

- اسب‌سواری (۴۲۹)
- تیراندازی (۳۳۸، ۴۲۹)
- بازی شطرنج (۴۰۷)

۶.۴ آموزش و نهادهای آموزشی

- تأسیس مدارس و مساجد توسط سلجوقیان (۱۳۷، ۲۰۹، ۳۰۰، ۳۷۹)

۵. عرصه‌های زندگی اجتماعی در *راحة الصدور*

۱.۵ گروه‌های اجتماعی

- اعیان (۱۰۳، ۳۷۷)
- خاص و عام (۱۸۴، ۳۴۴، ۴۰۷)
- قضات (۳۹۷)
- قاضی القضاة (۱۱۱)
- کشاورزان (۴۲۳)
- فلاسفه (۴۲۳)
- حکما (۴۲۳)
- علما (۴۲۳)
- دهاقین (دهگانان، ایرانیان) (۴۲۳)
- اطباء (۴۲۳)
- عطاران (۴۲۳)
- بقالان (۴۲۳)

۲.۵ اقوام

- اقوام شبانکاره فارس (۱۱۸)

۳.۵ شهر و شهرنشینی

- الف. مسائل جامعه شهری
 - احداث و بناهای ملک‌شاه سلجوقی: احداث آبگیرهای راه حجاز (۱۳۱)؛ احداث شکارگاه‌ها در مناطق مختلف (۱۳۱)
- ب. عناصر شهر
 - رباط (۹۲، ۳۷۱)
 - کهندز (۱۸۲)

۶. وجوه فرهنگی در کتاب چهارمقاله

۱.۶ مراسم و آیین‌های رایج

الف. ازدواج و آداب آن

- ازدواج مأمون عباسی با دختر فضل بن سهل (نظامی عروضی، ۱۳۷۵: ۳۲)
- ماندن داماد پیش از عروسی به مدت یک‌ماه در خانه عروس (۳۲)
- حکایت ازدواج دختر فضل با مأمون عباسی (۳۲-۳۶)
- بخشش و هدیه پدر عروس به همراهان داماد: بخشیدن چند پارچه دیه از سوی فضل به همراهان مأمون عباسی به میمنت عروسی دخترش (۳۴)
- هدیه داماد به عروس (۳۵)

ب. مرگ

- مرگ فردوسی و دفن وی در ملک و باغ خودش (۸۳)
- کشته شدن خواجه نظام‌الملک به دست فدائیان اسماعیلیه (۹۹)

۲.۶ مذهب و باورهای مذهبی

- اعتقاد به ممکن‌الوجود بودن انسان (۷)
- اعتقاد به قیامت و معاد (۷)
- اعتقاد به واجب‌الوجود بودن خدا (۷)
- اعتقاد به وجود عناصر اربعه آفرینش (۷)
- ربع مکشوف خواندن خلقت جهان (۸)
- ربع مسکون خواندن دنیا (۸)
- اعتقاد به وجود نسناس [میمون آدم‌نما، جانوری افسانه‌ای شبیه به انسان] پیش از انسان (۱۵)
- حکایتی در مورد نسناس (۱۵-۱۶)
- صدقه و قربانی دادن (۱۱۷)

۳.۶ منجمی و پیش‌گویی و حکایات مربوط به آن

- اعتقاد به منجمی و پیش‌گویی (۴مقدمه، ۹۳)
- حکایت منجم یعقوب اسحق کندی یهودی (۹۰-۹۱)
- حکایت منجمی ابوریحان بیرونی (۹۰-۹۳)
- حکایت دختری که منجم بود (۹۴-۹۶)
- حکایت منجمی محمود داودی دیوانه (۹۶-۹۸)
- حکایت حکیم موصلی منجم و پیش‌بینی او در مرگ خواجه نظام‌الملک (۹۸-۱۰۰)
- حکایت پیش‌بینی عمرخیام در مورد محل قبرش در نساپور (۱۰۰-۱۰۲)
- حکایت منجمان دربار محمدبن ملک‌شاه سلجوقی و منجم اهل غزنه (۱۰۲-۱۰۴)
- حکایت طالع‌بینی نظامی عروضی سمرقندی در مورد آزادی شاهزاده شمس-الدوله (۱۰۵)

۴.۶ پوشاک

- رنگ پوشاک: لباس سیاه مخصوص عباسیان (۳۲)

۵.۶ ورزش

- بازی نرد از مخترعات بوزرجمهر در برابر بازی شطرنج (۷۰)

۷. عرصه‌های زندگی اجتماعی در چهارمقاله

۱.۷ گروه‌های اجتماعی

- دبیران (۴مقدمه، ۱۹ ادبی‌اچه، ۱۸ متن)
- منجمان (۴مقدمه، ۱۹ ادبی‌اچه، ۱۸ متن)
- شاعران (۴مقدمه، ۱۹ ادبی‌اچه، ۱۸ متن)
- طبیبان (۴مقدمه، ۱۹ ادبی‌اچه، ۱۸ متن)
- اهل قلم (۲۴)

- قضات (۲۸)

۲.۷ شهر و شهرنشینی

الف. عناصر شهر

- مسجد جامع (۱۵)

۸. وجوه فرهنگی در کتاب فارسنامه

۱.۸ مراسم و آیین‌های رایج

الف. ازدواج

- ازدواج سیاسی (ابن‌البختی، ۱۳۶۳: ۸۲، ۹۴، ۱۰۲)

ب. مرگ

- کشته‌شدن ایرج به‌دست برادرانش سلم و تور (۳۷)

- کشته‌شدن سیاوش در ترکستان به‌دستور افراسیاب (۴۱)

- کشته‌شدن افراسیاب به‌دست رستم (۴۲)

- کشتن مانی و پیروانش توسط بهرام‌بن هرمزبن شاپور (۶۵، ۸۹)

- کشتن مزدک و مزدکیان به‌دست انوشروان (۹۰-۹۱)

- کشته‌شدن هرمزبن انوشروان توسط بندویه و بسطام با موافقت پرویزبن

هرمز (۱۰۰) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- کشتن پرویزبن هرمز به‌دست پسرش شیرویه (۱۰۷)

- کشتن پرویزبن هرمز و هفده‌تن از برادر و برادرزادگان توسط شیرویه (۱۰۸)

- کشته‌شدن یزدگردبن شهریار به‌دست اسپهبد ماهویه در مرو (۱۱۲)

- کشته‌شدن کردان پارس در آغاز اسلام (۱۶۸)

ج. ختنه‌سوران

- رسم ختنه‌کردن (۵۳)

د. جشن‌ها

- جشن نوروز (۳۲-۳۳)
- بانی جشن نوروز جمشید (۳۲-۳۳)
- جشن مهرگان = روز شانزدهم مهر از هر سال شمسی (۳۶)
- بانی جشن مهرگان فریدون (۳۶)
- ه. باورهای عامیانه
- اعتقاد به طالع و نحس بودن زمان (۳۲)

۲.۸ ادیان و مذاهب

- آتش پرستی ایرانیان (۵)
- دین مانوی (۲۰، ۶۲، ۸۹)
- قلع و قمع مانویان در زمان پادشاهی هرمزین شاپورین اردشیر (۲۰، ۶۳)
- آیین مزدکی (۲۳، ۸۴)
- بت پرستی (۲۹)
- صابئی (۳۴، ۴۹)
- ضحاک بنیانگذار صابئی (۳۴)
- دین زرتشتی (۴۹)
- ایمان آوردن وستاسف به دین زرتشتی (۴۹)
- دین مسیحیت (۷۰)
- ظهور مذهب شیعیان در عهد باکالیجار در ایران (۱۱۹)

۱.۲.۸ باورهای مذهبی

- آغاز روزه گرفتن از روزگار طهمورث (۲۹)
- شکرگزاری (۳۳، ۴۶)

۳.۸ ورزش

- اسب سواری (۷۵)

- تیراندازی (۷۵)

۹. عرصه‌های زندگی اجتماعی در فارسنامه

۱.۹ گروه‌های اجتماعی

- خاص و عام (۲، ۸۷)
- حَشَم و رعیت (۳)
- پیشه‌وران (۳۱)
- خدمتگزاران (۳۱)

۲.۹ اقوام

- گردان شبانکاره (۱۶۴)
- طایفه اسمعیلیان (۱۶۴)
- طایفه رمانیان (۱۶۶)
- طایفه کرزویان (۱۶۷)
- طایفه مسعودیان (۱۶۷)
- طایفه اشکانیان (۱۶۷)
- گردان پارس، پنج رَم بوده‌اند هر یک رَم صد هزار حومه: رَم جیلویه (۱۶۸)؛ رَم الذیوان (۱۶۸)؛ رَم اللوالجان (۱۶۸)؛ رَم الکاریان (۱۶۸)؛ رَم البازنجان (۱۶۸)

۳.۹ پادشاهان و اختراعات آنان

- الف. کیومرث (گل شاه)
- رسم پادشاهی و فرمان‌دهی نهادن (۹)
- ب. هوشنگ پیشدادی
- آهن و ابزارآلات درودگری (۲۷)
- به‌کاربردن چوب درخت در خانه‌سازی (۲۷)

- اسلحه‌ساختن از چوب و آهن (۲۷)
- گوشتی کردن حیوانات و خوردن آنها (۲۷)
- کارهایی چون کشاورزی و آبادی زمین‌ها و تقسیم آب‌ها و کاشتن غله و میوه (۲۷)

- مانع فساد و دعوت‌کننده‌ی مردم به خداپرستی و سازنده عبادتگاه (۲۸)
- طردکننده مفسدان و دزدان به بیابان‌ها و کوه‌ها و دورکننده آنها از میان مردم (۲۸)
- آورنده آیین بر تخت نشستن و تاج بر سر نهادن (۲۸)

ج. طهمورث

- مخترع خط فارسی (۲۸)
- سازنده زینت پادشاهان (۲۸)
- به‌وجودآورنده سوارشدن بر اسبان و بارنهادن بر چهارپایان و شکارکردن (۲۸)
- سازنده لباس و فرش از پشم و مو (۲۸)

د. جمشید

- به‌وجودآورنده نگارگری، نقاشی و صورتگری (۳۲)
- سازنده گرمابه (۳۲)
- بنای جشن نوروز (۳۲-۳۳)

ه. فریدون

- ساخت داروها از گیاهان کوهی در دوران پادشاهی (۳۶)
- بنیانگذار علم پزشکی (۳۶)
- جهاننده خمر بر مادیان تا استر از آن زاده شود (۳۶)
- بانی جشن مهرگان (۳۶)

و. منوچهر بن میشخوریار

- پدیدآورنده دهقانی (۳۷)

ز. زوبن طهماسب

- سازنده انواع دیگ‌ها و خوردنی‌ها (۳۹)

ح. کیقباد

- تقسیم حدود و کورت‌ها در ولایات (۳۹-۴۰)
- عشر بر غلات نهادن در وجه لشکر (۴۰)
- ط. لهراسب
- بنانهادن دیوان لشکر (دیوان عرض) (۴۸)
- اولین کسی بود که اساوره [دست برنجن‌ها، دست‌آورنجن‌ها، یاره‌ها] و دستینه‌های زر بر دست نهاد (۴۸)
- تخت زرین مرصع به جواهر ساخت (۴۸)
- ی. وشتاسف
- نظم و ترتیب دادن به دیوان‌ها (۴۸)
- نایب معتمد (ایرانمارغر) برای وزیر قراردادادن (۴۹)
- بناگذارنده دیوان انشا و دیوان خراج و دیوان نفقات (۴۹)
- دستوردهنده به طولانی نوشتن نامه‌ها و شرح و بسط دادن به آنها (۴۹)
- دبیرقد خواندن صاحب دیوان انشا در عهد وی (۴۹)
- ک. داراء بزرگ‌بن بهمن
- پایه‌گذار دیوان برید (۵۵)
- ل. اردشیرین بابک
- تقسیم آب‌های خوزستان (۶۱)

۴.۹ آثار و بناهای پادشاهان

- الف. هوشنگ
- عبادت‌گاه‌ها ساخت، شهر بابل و شهر سوس را بناکرد (۲۸)
- ب. کیومرث
- دباوند (دماوند) و اصطخر (۲۸)
- ج. طهمورث
- کهن‌دز مرو (۲۸)؛ مهرین و سارویه در اصفهان (۲۹)
- د. جمشید

- ساخت سرایی عظیم در اصطخر، ساخت سه قلعه اصطخر، شکسته و شکنوان در اصطخر به نام سه گنبدان (۳۲)
- ه. منوچهر
- ساخت باغ و بوستان، ایجاد خندق شهرها، حفر نهر فرات و آوردن آب به عراق (۳۷)
- و. کیکاوس
- بنای تل عقرقوف در بابل (۴۱)
- ز. لهراسب
- دیوارکشی و عمارت شهر بلخ (۴۸)
- ح. وشتاسف
- بنای شهر بیضا در پارس (۴۸)؛
- بنای آتشکده بلخ، آتشکده آذربایجان، آتشکده اصطخر پارس و دستور داد همه-جا آتشگاه‌ها بساختند (۵۰)
- ط. بهمن
- شهر فسا، بشکان و جهرم در پارس (۵۴)
- ی. دارابن بهمن
- شهر دارابگر در پارس (۵۵)
- ک. اردشیربن بابک
- کوره اردشیرخوره شامل فیروزآباد و چند پاره‌شهر و نواحی، ساخت چند جایگاه در عراق و بابل به نام خویش، به اردشیر دارالملک کرمان، اهواز و خوزستان، شهری به نام حزه در موصل، شهری در بحرین به نام خط (۶۰، ۶۱)
- ل. شاپوربن اردشیر
- بی‌شاپور در پارس، بلادشاپور در سرحد خوزستان، شاپورخواست خوزستان، جندی‌شاپور خوزستان، شاذشاپور در میسان (۶۳)
- م. هرمزبن شاپور
- رامهرمز خوزستان و دسکره در راه بغداد (۶۴)
- ن. شاپور ذوالاکتاف

- در بابل و عراق: عکبرا یا برزخ شاپور در بغداد، مداین، رومیه، انبار یا فیروزشاپور، طیسبون یا مدینه شاپور، ایوان کسری، کرخ؛
 - در خوزستان: شوش، شادروان شوشتر؛
 - در اصفهان: بوان، جُروان و در آن آتشگاهی بنا کرد؛
 - در سیستان: چند شهر؛ در خراسان: نیشابور؛
 - در بلاد سند و هند: فرشاپور و چند شهر دیگر (۳۱، ۶۹، ۷۲-۷۳)
- س. پیروز(فیروز)بن یزدجرد
- فیروزرام در ری؛ روشن فیروز در جرجان؛ رام فیروز از بلاد هند؛ دیوار شهرستان اصفهان؛ شادفیروز در آذربایجان؛ دیواری پنجاه فرسنگ به خجند(۸۳)
- ع. قبادبن فیروز
- آرجان و نواحی آن؛ قبادخوره از نواحی پارس، ساحلیات تابع قبادخوره؛ خُلوان سرحد عراق؛ به قباد بالایی و میانه و زیرین از نواحی عراق؛ شهرآباد کواد میان جرجان و آن شهر؛ چند ناحیه از طبرستان؛ خابور از موصل (۸۴)
- ف. کسری پرویزبن هرمز
- قصرشیرین و صفه شبذیز(۱۰۷)

۱۰. تحلیل و ارزیابی داده‌های متون منتخب

پس از عنوان‌گذاری و مقوله‌بندی داده‌ها، اینک درصد فراوانی هرکدام از عناصر فرهنگی زندگی اجتماعی در متون مزبور به صورت مجزا تعیین می‌شود. درصدها در هر کتاب به صورت جداگانه بررسی شده‌است. این درصدها هم از تعداد فراوانی و تکرار هر کدام نسبت به تعداد کل وجوه فرهنگی در آن کتاب به دست آمده‌است. به عنوان مثال؛ جشن‌ها در کل کتاب *راحه‌الصدور* فقط دو بار تکرار شده‌است. لذا عدد ۲ در عدد صد ضرب شده بر تعداد کل داده‌های وجوه فرهنگی در این کتاب تقسیم می‌شود و $۸۷/۴\%$ به دست می‌آید.

۱.۱۰ فراوانی وجوه فرهنگی در متن کتاب *راحه الصدور*

کتاب *راحه الصدور* در وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی به مقولات ذیل با درصد فراوانی به دست آمده پرداخته است:

۱. آداب و رسوم و شعائر با فراوانی ۱۲/۱۹٪؛

۲. جشن‌ها با فراوانی ۸۷/۴٪؛ در قسمت جشن‌ها تنها جشنی که در کتاب از آن نام برده شده جشن قربان است که در دو جا از آن یاد شده است.

۳. مراسم و آیین‌های رایج با فراوانی ۸۲/۹۲٪ با زیرمقولاتی چون: ازدواج با فراوانی ۳۵/۲۹٪؛ مرگ با فراوانی ۲۳/۵۲٪؛ مذهب و باورهای مذهبی با فراوانی ۱۷/۶۴٪؛ ورزش و سرگرمی با فراوانی ۱۱/۴۶٪؛ آموزش و نهادهای آموزشی با فراوانی ۱۱/۴۶٪.

می‌توان نتیجه گرفت که در کتاب *راحه الصدور* در وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی، بیشترین توجه نویسنده به مراسم و آیین‌های رایج به نسبت دیگر مقولات همین عرصه بوده است. در این مقولات نیز ازدواج و آداب آن بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در مقوله مرگ بیشتر با مرگ‌های غیرطبیعی روبه‌رو هستیم و آن هم در بدنه حکومت‌هاست. این مرگ‌ها به انحاء مختلف صورت گرفته است. بعضی توسط فدائیان اسماعیلی، بعضی از سوی دربار با دسیسه‌های صاحب‌منصبان و زنان، بعضی به علت خیانت به سلطان و از این قبیل، صورت گرفته است. بیشترین موردی که در این زمینه وجود دارد، کشتن خلفاء و بعضی وزراء به دست فدائیان اسماعیلی است که خود حاکی از نقش سیاسی و مخالفی حکام عصر سلجوقی و خلفا با اسماعیلیان است.

آنچه در قسمت مذهب و باورهای مذهبی در کتاب به چشم می‌خورد ظهور مذهب اسماعیلیه در ایران عصر سلجوقی است که این مذهب به وسیله داعیان اسماعیلی ترویج شده است. مورد دیگر که در کتاب *راحه الصدور* از آن یاد شده، اختلاف مذاهب در خراسان است.

در این کتاب با توجه به مقوله ورزش و سرگرمی، از دو ورزش اسب‌سواری و تیراندازی همراه بازی شطرنج سخن به میان آمده و در مورد هر کدام باب خاصی اختصاص داده است. یکی از تفریحات و سرگرمی‌های مردم و درباریان در سده پنجم هجری شطرنج و نردباختن بوده است که در آثار ادبی آن روز جلوه بسیاری یافته است. بازی شطرنج در اصل از هند به ایران وارد شده بود. راوندی می‌گوید:

«این شطرنج حکمای هند نهادند و بنوشروان عادل فرستادند و بزرجمهر آن را بگشاذ و بر آن یک باب بیفزود، نوشروان آنرا بقیصر روم فرستاد حکمای روم خاطر برگماشتند و ایشان نیز دو باب زیادت کردند» (راوندی، ۱۳۶۴: ۴۰۷-۴۰۸).

کتاب *راحة الصدور* در قسمت آموزش و نهادهای آموزشی در موارد زیادی به تأسیس مدارس و مساجد توسط سلجوقیان اشاره نموده است که این خود نشان‌دهندهٔ توجه سلجوقیان به آموزش و نهادهای آموزشی است.

۲.۱۰ فراوانی داده‌های عرصه زندگی اجتماعی در کتاب *راحة الصدور*

عرصه‌های زندگی اجتماعی در کتاب *راحة الصدور* دارای مقولاتی چون؛ نهادهای اجتماعی و مدنی، اقوام، شهر و شهرنشینی است که سهم نهادهای اجتماعی در آن با فراوانی ۷۸/۹۴٪ به نسبت دیگر مقولات بیشتر است. فراوانی مقوله اقوام ۵/۲۶٪ و فراوانی شهر و شهرنشینی ۱۵/۷۸٪ است.

می‌توان نتیجه گرفت که در کتاب *راحة الصدور* از نظر عرصه زندگی اجتماعی بیشترین توجه به نهادهای اجتماعی و مدنی شده است. در میان ۹ گروه اجتماعی ذکر شده در این مقوله، گروه خاص و عام با فراوانی ۲۰٪ در رده نخست، طبقه قضات و اعیان هرکدام به-طور یکسان با فراوانی ۱۳/۳۳٪ در رده بعد و طبقات دیگر هر کدام به‌طور یکسان با فراوانی ۶/۶۶٪ در رده‌های بعدی جای می‌گیرند.

در قسمت اقوام آنچه در کتاب آمده فقط در یک‌جا از اقوام شبانکاره فارس سخن به میان آمده است. در مقوله شهر و شهرنشینی به مسائل جامعه شهری پرداخته شده که در زیرمجموعه آن از احداث بناهای ملک‌شاه سلجوقی یاد شده و به یک مورد از عناصر شهر در کتاب اشاره شده و آن هم کهن‌تر است.

۳.۱۰ فراوانی وجوه فرهنگی در متن کتاب چهارمقاله

در وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی کتاب مزبور به مقولات مراسم و آیین‌های رایج شامل؛ ازدواج، مرگ، مذهب و باورهای مذهبی، پوشاک و ورزش اشاره شده است که به نسبت دیگر مقولات، فراوانی مذهب و باورهای مذهبی ۵۰٪؛ فراوانی ازدواج حدود ۲۷/۵٪؛ فراوانی مرگ حدود ۱۱/۵٪ و مابقی هرکدام به‌طور یکسان حدود ۵٪ است.

۴.۱۰ فراوانی عرصه زندگی اجتماعی کتاب چهارمقاله

عرصه زندگی اجتماعی در کتاب چهارمقاله شامل؛ گروه‌های اجتماعی، شهر و شهرنشینی و فرهنگ عامه است که درصد فراوانی نشان‌دهنده توجه بیشتر به گروه‌های اجتماعی است، زیرا فراوانی این مقوله ۵۶٪ و پس از آن فراوانی فرهنگ عامه ۴۰٪ و فراوانی مقوله دیگر ۴٪ می باشد و این خود نشان‌دهنده بیشترین توجه به گروه‌های اجتماعی در کتاب است، زیرا خود کتاب راجع به چهار طبقه اجتماعی دبیران، منجمان، طبیبان و شاعران به بحث پرداخته است.

۵.۱۰ فراوانی وجوه فرهنگی در متن کتاب فارسنامه

در وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی کتاب فارسنامه مقولاتی چون؛ مراسم و آیین‌های رایج، جشن‌ها و باورهای عامیانه (اعتقاد به طالع و نحس بودن زمان) وجود دارد. در قسمت جشن‌های باستانی از دو جشن نوروز و جشن مهرگان یاد شده که از نظر فراوانی سهم هر کدام از این دو جشن به طور یکسان ۵۰٪ است. در قسمت ازدواج، سه مورد در کتاب بیان شده که هر سه بیان‌کننده نوعی ازدواج سیاسی در حکومت‌اند. در قسمت مرگ، آنچه این کتاب ارائه کرده، مرگ شخصیت‌هایی است که یا در جنگ کشته شده‌اند، یا سرکرده دینی گروه‌های مذهبی خاصی بوده‌اند که آن هم توسط حاکمان به قتل رسیده‌اند. در مورد اخیر می‌توان به کشتن مزدک و مانی اشاره نمود. در این قسمت، از حاکمانی که توسط فرزندان و نزدیکان خود کشته شده‌اند نیز مواردی ذکر شده است بنابراین اگر بخواهیم درصد فراوانی به دست آوریم، می‌توان ۱۸/۱۸٪ فراوانی را به کشتن مانی و پیروانش اختصاص داد و برای ۹ مورد دیگر به طور یکسان هر کدام ۹٪ فراوانی در نظر گرفت. در این مقوله آنچه کتاب مبین آن است وجود مذاهب و فرقی است که در عهد ملوک مختلف ظهور کرده‌اند و سرکوب شده‌اند.

در قسمت ادیان و مذاهب در کتاب فارسنامه از هشت دین و مذهب سخن به میان آمده که می‌توان سهم دین مانوی را با ۳۱/۲۵٪ فراوانی از بقیه بیشتر دانست. آیین صابئی با ۱۸/۷۵٪ فراوانی، آیین مزدکی و زردشتی هر کدام به طور یکسان با ۱۲/۵٪ فراوانی و بقیه ادیان به طور یکسان با ۶/۲۵٪ در رده‌های بعدی قرار دارند. در قسمت باورهای دینی، نکته قابل توجه در این کتاب، نسبت دادن آغاز روزه‌گرفتن به روزگار طهمورث است. در قسمت

شکرگزاری به دو مورد و در قسمت ورزش‌ها نیز از دو نوع ورزش اسب‌سواری و تیراندازی یاد شده که سهم فراوانی هر کدام به طور یکسان ۵۰٪ است.

۶.۱۰ فراوانی عرصه زندگی اجتماعی کتاب *فارسنامه*

عرصه زندگی اجتماعی در کتاب *فارسنامه* شامل؛ گروه‌های اجتماعی، اقوام، اختراعات، شهر و شهرنشینی است. در قسمت گروه‌های اجتماعی از چهار طبقه در کتاب نام برده شده که سهم طبقات خاص و عام با ۴۰٪ فراوانی به نسبت دیگر طبقات که هر کدام به طور یکسان فراوانی ۲۰٪ دارند، بیشتر مورد توجه بوده است. در قسمت اقوام از دو قوم گردان شبانکاره و طوایف آنان با فراوانی ۵۴/۵۴٪ و گردان پارس با فراوانی ۴۵/۴۵٪ سخن به میان آمده است.

در قسمت اختراعات آنچه در *فارسنامه* ذکر شده، اختراعاتی است که پادشاهان ایران باستان موفق به انجام آن شده‌اند. از مجموع هفت پادشاه مخترع، هوشنگ پیشدادی با فراوانی ۲۳/۵۲٪ اختراع در رده اول، وشتاسف با فراوانی ۱۴/۷۰٪ در رده دوم، طهمورث و فریدون هر کدام به طور یکسان با فراوانی ۱۲/۵٪ در رده سوم، جمشید و لهراسب هر کدام به طور یکسان با فراوانی ۹/۳۷٪ در رده چهارم، کیقباد با فراوانی ۶/۲۵٪ در رده پنجم، کیومرث، منوچهر، زو، دارا و اردشیر هر کدام به طور یکسان با ۳/۱۲٪ در آخرین رده مخترعین قرار دارند.

در قسمت شهر و شهرنشینی، از احداث و بناها همراه بانیان آنها در *فارسنامه* بحث شده است. در قسمت تحلیل، درصد فراوانی را از بیشترین به کمترین بنا اختصاص می‌دهیم بدین صورت که پس از ذکر نام احداث‌کننده و بانی بنا، با توجه به تعداد بناها و تکرار آنها در کتاب، درصد هر کدام به ترتیب بیشترین تا کمترین به دست خواهد آمد. از مجموع ۲۰ پادشاه ایجادکننده بناها در این کتاب، شاپورین هرمز (شاپور ذوالاکتاف) با فراوانی ۲۲/۸۰٪ در رده اول بانیان بناها، قبادین پیروز با فراوانی ۱۴/۰۳٪ در رده دوم، پیروزین یزدجرد با فراوانی ۱۰/۵۲٪ در رده سوم، اردشیرین بابک با فراوانی ۷/۰۱٪ در رده چهارم، منوچهرین میشخوریار و شاپورین اردشیر هر کدام به طور یکسان با فراوانی ۵/۲۶٪ در رده پنجم، کیومرث، طهمورث، لهراسب و وشتاسف هر کدام به طور یکسان با فراوانی ۳/۵۰٪ در رده ششم و مابقی پادشاهان ذکر شده در این مقوله هر کدام به طور یکسان با فراوانی ۱/۷۵٪ در پایین‌ترین رده قرار دارند. در این قسمت آنچه در بارهٔ کارکرد بناها ذکر شده فقط مربوط به

آتشکده‌هاست که صاحب *فارسنامه* آنها را محلی برای عبادت زرتشتیان دانسته‌است (ابن-البلخی، ۱۳۶۳: ۵۰).

جدول شماره ۱. مقایسه جشن‌ها (خاص و مذهبی) در متون منتخب

فارسنامه	چهارمقاله	راحه‌الصدور	جشن‌ها
*	-	-	نوروز
*	-	-	مهرگان
-	-	-	سده
-	-	*	قربان
-	-	-	فطر

در مقایسه جشن‌ها در متون منتخب، بیشترین جشن‌ها در *فارسنامه* ذکر شده و کتاب *راحه‌الصدور* از این نظر در جایگاه بعدی جای می‌گیرد در حالی که در چهارمقاله از هیچ جشنی نام برده نشده‌است.

جدول شماره ۲. مقایسه مراسم و آیین‌های رایج در متون منتخب

فارسنامه	چهارمقاله	راحه‌الصدور	مراسم و آیین‌های رایج
*	*	*	ازدواج
*	*	*	مرگ
*	*	*	مذهب و باورهای مذهبی
*	-	-	شکرگزاری
-	*	-	پوشاک
-	-	-	خوراک
*	*	*	ورزش
-	-	-	اوقاف

در این جدول، مراسم و آیین‌های رایج زندگی در متون منتخب مورد مقایسه قرار گرفته که جدول نشان از کارکرد بیشتر این حیطة در *چهارمقاله* و *فارسنامه* به‌طور مساوی دارد و در *راحه‌الصدور* به نسبت دیگر متون منتخب کم‌تر است.

جدول شماره ۳. مقایسه گروه‌های اجتماعی در متون منتخب

فارسنامه	چهارمقاله	راحه‌الصدور	گروه‌های اجتماعی
*	-	*	خاص و عام
-	-	-	وضع و شریف
-	-	-	خداوندان شمشیر
-	*	-	خداوندان قلم
-	-	-	اولیاء
*	-	-	حشم
-	-	-	خطباء
-	-	*	اعیان
-	-	*	علماء
-	-	-	فقها
-	*	*	قضات
-	-	-	علویان
-	-	-	سادات
-	-	-	مطربان
-	-	-	ندیمان
-	-	*	کشاورزان
-	-	*	فلاسفه
-	-	*	حکما
-	-	*	دهاقین
-	*	*	اطباء
-	-	*	عطاران
-	-	*	بقالان
-	*	-	دبیران
-	*	-	شاعران
*	-	-	پیشه‌وران
*	-	-	خدمتگزاران
-	*	-	منجمان

در این جدول، گروه‌های اجتماعی در سه متن منتخب با هم مورد مقایسه قرار گرفته که کتاب چهارمقاله و *راحه‌الصدور* از حیث مقوله مورد نظر به ترتیب در رده اول و دوم جای گرفته‌اند و در *فارسنامه* فقط از چهار گروه اجتماعی نام برده شده است.

جدول شماره ۵. مقایسه عناصر شهر در متون منتخب

عناصر شهر	<i>راحه‌الصدور</i>	چهارمقاله	<i>فارسنامه</i>
ریاط	*	-	-
شارستان	-	-	-
قهندز	*	-	-
مسجدجامع	-	*	-

در جدول مقایسه عناصر شهر در متون منتخب، *راحه‌الصدور* از این نظر به نسبت دیگر متون مورد نظر با ذکر دو مورد حائز اهمیت است و *چهارمقاله* با ذکر یک مورد از عناصر شهری در جایگاه بعدی قرار گرفته است. اما در *فارسنامه* راجع به عناصر شهری چیزی به چشم نمی‌خورد.

۱۱. نتیجه

متون تاریخی دوره‌های مختلف، افزون‌بر آگاهی‌هایی که درباره موضوع اصلی هدف متن ارائه می‌دهند، آگاهی‌های سودمندی نیز درباره دیگر وجوه زندگی مردم سرزمین خود از جمله وجوه سیاسی، اقتصادی (شهری، کشاورزی، دامداری و شبانکارگی، ملی و بین‌المللی)، وجوه اجتماعی و فرهنگی، بازتاب می‌دهند. از بررسی سه متن معتبر تاریخی سده ششم هجری، *راحه‌الصدور*، *چهارمقاله* و *فارسنامه*، نشان داده شد که در هر سه کتاب، می‌توان داده‌های بسیاری در وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان به دست آورد. از مقایسه و تحلیل این داده‌ها در مقوله‌های فرهنگی که درصد فراوانی آنها نیز تعیین شد، می‌توان نتیجه گرفت که وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان در محتوای کتاب *راحه‌الصدور* بیشتر از کتاب‌های *چهارمقاله* و *فارسنامه* بازتاب داشته و به آن پرداخته شده است.

کتابنامه

- آگبرن، ویلیام فیلدینگ و مایر فرانسیس نیم کوف (۱۳۸۰)، *زمینه جامعه‌شناسی*، اقتباس ا.ح. آریان‌پور، تهران: گستره.
- ابن‌البختی (۱۳۸۵)، *فارسنامه*، به‌اهتمام و تصحیح گای لیسترانج و رینولد آلن نیکلسون، تهران: دنیای کتاب.
- افتخاری، حسین (۱۳۸۷)، بررسی جلوه‌های زندگی ایرانیان در سه اثر برجسته سده پنجم هجری (فابوسنامه، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته ایران‌شناسی گرایش عمومی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بهنام، جمشید و رامین جهاننگلو (۱۳۸۲)، *تمدن و تجدد*، تهران: مرکز.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۷۸)، *فرهنگ‌شناسی*، تهران: پیام امروز.
- تاملینسون، جان (۱۳۸۱)، *جهانی شدن و فرهنگ*، ترجمه محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳)، *فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو*، تهران: علمی و فرهنگی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۷)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: سمت.
- دوورژه، موریس (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه ابوالفضل قاضی، چ ۴، تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۴)، *لغت‌نامه*، به‌کوشش محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- راوندی، محمدبن علی بن سلیمان (۱۳۶۴)، *راحه‌الصدور و آیه‌السرور*، تصحیح محمد اقبال، تهران: امیرکبیر.
- صفا، ذبیح‌الله (۲۵۳۶)، *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- لنسکی، گرهارد و جین لنسکی (۱۳۶۹)، *سیر جوامع بشری*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، ج ۲، چ ۸، تهران: امیرکبیر.
- مکنیل، پاتریک (۱۳۷۶)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: آگه.
- منصوریان، محمدکریم (۱۳۸۱)، *روش‌های پژوهش کیفی و کمی در علوم اجتماعی*، شیراز: نوید شیراز.
- نبوی، بهروز (۱۳۸۲)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی*، چ ۲۱، تهران: کتابخانه فروردین.
- نظامی عروضی سمرقندی، احمدبن عمر (۱۳۷۵)، *چهارمقاله*، تهران: جام.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۴)، *تاریخ نظم و نشر در ایران و در زبان فارسی*، ج ۱، تهران: کتابفروشی فروغی.
- نفیسی (ناظم‌الاطباء)، علی‌اکبر (۱۳۵۵)، *فرهنگ نفیسی*، تهران: کتابفروشی خیام.
- ودیعی؛ جمال (۱۳۵۷)، *جامعه‌شناسی*، تهران: گوتنبرگ.